

تأثیر متقابل آموزش و پرورش و اقتصاد

غلامرضا حسنی^۱

چکیده

آموزش- پرورش و اقتصاد تأثیر متقابل بر همدیگر دارند به طوری که رشد، بالندگی آموزش و پرورش یک جامعه در گرو اقتصاد آن است که اگر اقتصاد جامعه پویا و قوی باشد، می توان کیفیت آموزش، تحقیقات و غیره را نیز بهبود بخشید. از طرف دیگر، اقتصاد پویا و امدار آموزش و پرورش قوی و افراد متخصص و کارآمد است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر متقابل آموزش- پرورش و اقتصاد است که با روش تحلیلی- توصیفی کتابخانه ای انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که آموزش- پرورش و اقتصاد در دو جنبه و بُعد فردی و اجتماعی بر دیگر تأثیر متقابل دارند. در بُعد فردی، آموزش و پرورش یا به طور مستقیم بر اقتصاد فرد، تأثیر می گذارد بدین صورت که افراد تحصیل کرده عمدتاً از درآمد و دستمزد بالای برخوردار است. یا تأثیر غیرمستقیم دارد که عبارت است از یافتن منزلت اجتماعی، ارتقاء سریع شغلی، تصمیم گیری عقلایی در مورد مصارف و پس اندازها. در بُعد اجتماعی نیز آموزش- پرورش بر کاهش هزینه ها در خانواده ها و جامعه، ارتقاء سطح سلامت عمومی، تشخیص نقاط قوت و ضعف اقتصاد در جامعه، ابداع و اختراع ابزار و دستگاه های مدرن و پیشرفته جهت تولید، تقلیل جمعیت که بر تقویت و توسعه اقتصاد اجتماعی کمک می کند و اما تأثیر اقتصاد بر آموزش و پرورش، مثل بهبود آموزش- ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش، بهبود کیفیت درسی، وسایل کمک آموزشی، کیفیت تجهیزات زیر بنایی مراکز آموزشی، سرمایه گذاری در تحقیقات، تطبیق نیروی کاری و سرمایه گذاری بر روی افراد نخبه از جمله تأثیرات متقابل آموزش- پرورش و اقتصاد است.

کلیدواژه: آموزش و پرورش، اقتصاد، توسعه، تأثیر متقابل.

^۱. دانشجوی دکتری، قرآن و علوم با گرایش تربیتی، مجتمع عالی آموزشی علوم انسانی،

مقدمه

آموزش و پرورش و اقتصاد دو رکن عمده، اساسی و بسیار مهمی یک جامعه به حساب می آید به طوری که ارزش، اعتبار و پیشرفت ملی و جهانی یک کشور و جامعه در گرو پیشرفت و اعتبار این دو عنصر اساسی است. امروزه کشورهایی که اقتصاد و آموزش و پرورش بالا و پیشرفته ای دارند، در سطح جهانی نیز از وجهه و اعتبار بالایی برخوردارند و به دنبال آن در تعاملات مختلف بین المللی نیز حرف اول را می زنند؛ و برعکس، کشورهای ضعیف معمولاً، دارای آموزش و پرورش و اقتصاد ضعیف هستند. اقتصاد و آموزش و پرورش از تأثیر و تأثر متقابل و ارتباط دوسویه برخوردار است به طوری که توسعه آموزش و پرورش و توسعه اقتصاد لازم و ملزوم یکدیگرند. توسعه آموزش و پرورش احتیاج به منابع مالی و مادی زیادی دارد و این امر بر عهده ی بخش اقتصادی کشور است که تأمین اعتبار کند.

یکی از مشکلات نظام آموزش و پرورش، وجود هزینه های سنگین آموزشی و بازدهی بلندمدت آن است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و گسترش آن را به صورت کامل ندارند و یا بنیة مالی و اقتصادی آنها اجازه تأمین و گسترش آن را نمی دهد. و از طرف دیگر، توسعه اقتصادی نیز متقابلاً به منابع انسانی ماهر، متخصص و کارآمد نیازمند است که این مهم به عهده ی آموزش و پرورش کشور است تا نیروهای متخصص و کارآمدی پرورش و تربیت کرده و وارد جامعه کند. از عمده مشکلات کشورهای موسوم به جهان سوم یا در حال توسعه این است که نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده ی لازم را به خصوص، در سطح بالایی از تخصص ندارند و از قدرت ابداع در تکنولوژی و علم و فن بی نصیب هستند؛ و حتی بعضاً در بکارگیری و استفاده از تکنولوژی های موجود هم ناتوان هستند. به اجمال می

توان گفت که میان اقتصاد و آموزش و پرورش رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به نحوی که هرچه نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد با توان بالایی تربیت و آموزش داده شود از رشد اقتصادی بهتر و بالاتری برخوردار خواهد شد؛ و در مقابل هرچه تعداد نیروی متخصص کمتر و یا از توان تخصصی کمتری برخوردار باشند، رشد اقتصادی نیز کمتر خواهد بود؛ و از طرف دیگر هرچه اقتصاد کشور قوی‌تر باشد، می‌توان با استفاده از فن‌آوری و تکنولوژی‌های نوین و پیشرفته روز بر رشد و توسعه آموزش و پرورش افزود و در کمیت و کیفیت آموزش بهبود بخشید.

این نوشتار درصدد بررسی تأثیر و تأثر آموزش و پرورش و اقتصاد برآمده که در دو بخش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

بخش اول: تأثیر آموزش و پرورش بر اقتصاد

بخش دوم: تأثیر اقتصاد بر آموزش و پرورش

و مراد از آموزش و پرورش در این تحقیق آموزش و پرورش رسمی نیست بلکه اعم از رسمی و غیررسمی است و همچنین مراد از اقتصاد اعم از فردی (شخصی) اجتماعی (دولتی) است که آموزش و پرورش هم بر اقتصاد خانوارها اثر می‌گذارد و هم بر اقتصاد عمومی و دولتی؛ و اقتصاد نیز بر آموزش فردی (خانواده‌ها) و اجتماعی (دولتی) اثرگذار است که به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) تأثیر آموزش و پرورش بر اقتصاد

اقتصاددانان معتقدند که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش از طریق آموزش و تربیت نیروی کاری متخصص، ماهر و کارآمد، باعث افزایش سطح تولید، ثروت و دارایی می‌شود درست به همان طریقی که سرمایه‌گذاری در ماشین‌های جدید تولید، ظرفیت تولید ذخایر سرمایه‌دارای را افزایش می‌دهد (نف سی، ۱۳۸۰:

۱۰) آموزش و پرورش هم بر اقتصاد فرد تأثیر می‌گذارد و هم بر اقتصاد جامعه و این تأثیرگذاری یا مستقیم است یا غیرمستقیم:

۱. تأثیر آموزش و پرورش بر اقتصاد فردی

۱.۱. تأثیر مستقیم

در جوامعی که درآمد افراد عمدتاً ناشی از عامل کار است، قدرت و توانایی‌های اکتسابی ناشی از آموزش و پرورش میزان درآمد را تعیین می‌کند. افرادی که از تحصیلات بیشتر، تخصصی و عالی‌تری برخوردار هستند درآمد بالای را نیز کسب می‌کنند. تأثیر مستقیم آموزش و پرورش بر اقتصاد فرد، در حقیقت همان اضافه درآمدی است که افراد تحصیل کرده به دلیل ارتقاء سطح علمی و توانائی که از طریق آموزش و تحصیل به دست آورده است، دریافت می‌کنند.

امروزه مهم‌ترین انگیزه برای کسب دانش، دست یافتن به مشاغل تخصصی و درآمدهای بالاتر ناشی از آن است. این حقیقت غیرقابل انکار است که بسیاری از جوانان تلاش می‌کنند تا در رشته‌های از تحصیلات دانشگاهی آموزش ببینند که درآمدهای بالاتری را در آینده نوید می‌دهد؛ بنابراین اثر مستقیم آموزش و پرورش افزایش درآمدی افراد آموزش دیده و تحصیل کرده است نیست به افراد که از تحصیل، دانش و تخصصی برخوردار نیست.

به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا که (۷۵٪) از درآمدها ناشی از عامل کار است. تفاوت قابل ملاحظه‌ای درآمد گروه‌های هم سن و سال که از تحصیلات متفاوتی برخوردارند، وجود دارد (عماد زاده، ۱۳۸۵: ۹۴). پس آموزش و پرورش موجب می‌شود که در شرایط متعارف، تحصیلات بیشتر و عالی‌تر، باعث دریافت حقوق و مزایای بیشتر گردد و این در حقیقت از آثار مستقیم و مثبت آن در افراد

تحصیل کرده و متخصص است. در زمینه‌های دیگر نیز آموزش و پرورش تأثیر مستقیم بر اقتصاد افراد دارد که از آن جمله می‌توان در بخش صنعت اشاره کرد. در این بخش همه کارفرمایان معمولاً به دنبال نیروهای متخصص و آموزش دیده هستند تا بهره‌وری بهتری از صنعت داشته باشد.

در جهان امروزی، حتی در مشاغل سنتی مثل کشاورزی، باغداری، دامداری و ... اگر افراد آموزش لازم را ببینند و از مهارت خوب برخوردار شوند قطعاً با کمترین هزینه بیشترین درآمد را خواهند داشت. کشاورز که آموزش دیده، اطلاعات و دانش مناسب در زمینه و نحوه‌ی درست آب یاری کردن و کشت اراضی را فراهم می‌کند. این دانش او نقش مؤثر در بهبود کمی و کیفی محصولات او دارد و این تأثیر مستقیم آموزش و پرورش بر اقتصاد فردی است.

۱,۲. تأثیر غیرمستقیم

تأثیر غیرمستقیم آموزش و پرورش بر اقتصاد، عمدتاً به صورت درآمدهای روانی و مزایای اجتماعی است. این تأثیر ناشی از امتیازاتی است که آموزش و پرورش برای افراد به وجود می‌آورد؛ مثلاً افراد تحصیل کرده و دارای تخصص، از شأن و منزلت اجتماعی بالاتری نسبت به بقیه افراد جامعه برخوردارند و جامعه با واگذاری مسئولیت‌های سنگین بر دوش افراد آموزش دیده، تحصیل کرده و متخصص احترام بیشتری برای آنان قائل است. این شأن و منزلت اجتماعی به‌طور مستقیم در اقتصاد فرد تأثیرگذار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- افراد تحصیل کرده در محیط کار از مزایایی بیشتری برخوردارند.
- ۲- افراد تحصیل کرده و آموزش دیده امکان ارتقاء سریع شغلی را دارا می‌باشند.

۳- افراد تحصیل کرده و دارای تخصص در مورد سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، مصرف و صرفه‌جویی و ... تصمیمات عقلایی‌تری می‌گیرند؛ یعنی آموزش و پرورش می‌تواند از طریق آموزش افراد و خانواده‌ها در زمینه‌ی درست مصرف کردن امکانات و منابع فردی و عمومی و صرفه‌جویی کردن، از هدر رفتن زیادی از امکانات و منابع جلوگیری کند؛ و این در ر شد تو سعه اقتصادی فردی و عمومی کمک خواهد نمود. به‌عنوان نمونه در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی خُرد و کلان با برگزاری دوره‌های آموزشی سرمایه‌گذاری، افراد را با نحوه درست سرمایه‌گذاری آشنا کند. امروزه مشکلات زیاد اقتصادی خانواده‌ها، بنگاه‌ها و حتی دولت به خاطر نداشتن اطلاعات درست و صحیح سرمایه‌گذاری است و این مهم در عهده‌ی آموزش و پرورش است که می‌تواند با دادن اطلاعات لازم و درست افراد را در رشد و توسعه اقتصادی کمک کند.

۴- سازگار کردن افراد با فن‌آوری‌های جدید. افرادی تحصیل کرده، زودتر با تغییرات (فن‌آوری، تکنولوژی و ...) سازگاری پیدا می‌کنند و خود را با آن وفق می‌دهند، آنان تمایل دارند که فن‌آوری‌های جدید را زودتر بپذیرند و به‌احتمال زیاد این پذیرش و سازگاری با تکنولوژی جدید موجب توسعه و رشد اقتصادی فرد خواهد شد.

اقتصاددانان معتقدند: با بازنگری و مطالعه که درباره مناطق روستایی صورت گرفته، نشان داده که شاوورزانی که چهار سال آموزش دیده‌اند بهره‌وری خود را از محصولات تا (۷-۸٪) افزایش داده‌اند (نفسی، ۱۳۸۰: ۸۰) بنابراین تحصیل و آموزش فرد به‌طور غیرمستقیم بر بهبود وضعیت و رشد اقتصاد فرد تأثیرگذار است.

۲. تأثیر آموزش و پرورش بر اقتصاد اجتماعی

۲,۱. تأثیر غیرمستقیم

تأثیر غیرمستقیم آموزش و پرورش بر اقتصاد اجتماعی را به این صورت می‌توان بیان کرد: وقت که آموزش و پرورش افراد متخصص، ماهر و کارآمد را آموزش می‌دهد، آنان قادر خواهند بود که با صرف کمترین هزینه و زمان، کالا و خدمات بیشتری را تولید کنند و به جامعه ارائه دهند، مثلاً با احداث سد و ارائه روش‌های جدید و صحیح کشاورزی به تو سعه کشاورزی کمک کنند؛ و یا با اختراع دستگاه‌های جدید و پیشرفته در زمینه‌های مختلف موجبات پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر کشور را فراهم می‌کنند.

۲,۲. تأثیرات غیرمستقیم

گاهی ارزش اقتصادی یک اختراع و نوآوری، در صنعت و تکنولوژی، توسط متخصصان آموزش و پرورش، موجب افزایش محصول ملی و صرفه‌جویی قابل توجهی در هزینه‌های تولید می‌شود که از کل مخارج سالانه آموزش و پرورش کشور بیشتر است. برخی از تأثیرات غیرمستقیم عبارت است از:

۲,۲,۱. کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری

به هر اندازه که افراد یک جامعه از آموزش بیشتری برخوردار باشند، نیروی کار متخصص و آموزش‌دیده داشته باشد، در فرایند تولید از بهره‌وری بالاتری برخوردار خواهد بود که این امر موجب می‌شود هزینه‌های تولید کاهش قابل توجهی پیدا کند (وزیری، ۱۳۵۱: ۵).

۲,۲,۲. ارتقاء سطح امنیت

به هر اندازه که افراد یک جامعه از آموزش بیشتری برخوردار باشند،

هزینه‌های اجتماعی به همان اندازه در دستگاه قضایی، پلیسی، راهنمایی-راندگی و غیره کاهش خواهد یافت.

۲,۲,۳. ارتقاء سطح سلامت

با ارتقاء سطح آموزش و تحصیلات در میان افراد جامعه، سطح بهداشت و تغذیه افراد و خانواده‌ها بهبود می‌یابد و در نتیجه هزینه‌های درمان و یارانه دارو به‌طور نسبی کاهش خواهد یافت (ر. ک. دهقانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۴).

۲,۲,۴. تشخیص نقاط قوت و ضعف اقتصاد

آموزش و پرورش به دانش آموزان می‌آموزد که نیاز جامعه چیست؟ اقتصاد جامعه چگونه است؟ نقاط قوت و ضعف آن را بیان می‌کند و راه‌حلهایی را نیز ارائه می‌دهد تا افراد درصدد حل مشکلات اقتصادی برآیند و روند اقتصاد جامعه را بهبود بخشند.

۲,۲,۵. خوداشتغالی

آموزش و پرورش می‌تواند با آموزش افراد آنان را به خود اشتغال تشویق کند؛ یعنی با آموزش دادن فنون و مهارت‌ها زمینه‌های کار، تولید و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کند (نفسی، همان، ۲۰۶).

با کاهش این هزینه‌ها صدها مورد دیگر نیز کاهش می‌یابد و در نتیجه این هزینه‌های کاهش یافته به خزانه ملی دولت واریز می‌شود و دولت می‌تواند آن‌ها را در بخش‌های زیر بنایی، صنعت و ... سرمایه‌گذاری کند و فواید آن را به کل اقتصاد جامعه بازگرد.

۲,۲,۶. اثر کاری

نهاد آموزش و پرورش می‌تواند از طریق آموزش و تربیت افراد متخصص

توان ظرفیت تولید کشور را توسعه دهد و از منابع موجود حداکثر استفاده را ببرد. آدام اسمیت اقتصاددان معروف انگلیسی معتقد است که هرچه سطح آموزش تخصصی تر و پیشرفته تر گردد، بازده اقتصادی آن بیشتر خواهد بود (عماد زاده، همان، ۴۹). ادوارد دنیسون در مطالعات خود نشان داده است که حدود ۲۱٪ رشد اقتصادی در ایالات متحده آمریکا بین سال های (۱۹۵۷-۱۹۲۹) ناشی از پیشرفت هایی بوده که از طریق بهبود کیفیت نیروی کار و ارتقاء سطح تکنولوژی حاصل شده که هردوی این عوامل شدیداً متأثر از آموزش و پرورش است (همان، ۷۲).

آدام اسمیت با اهمیت دانستن تأثیر آموزش و پرورش بر اقتصاد معتقد است که: آموزش افراد، در واقع نوعی سرمایه گذاری در آنهاست و با آموزش، افراد توانا تر خواهند شد؛ و این امر سبب می شود که نه تنها خود آنان به درآمد بیشتری نائل آیند، بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری در آنها منتفع می گردد، به عقیده او انسان ها با تحصیل و آموزش به سرمایه مبدل می شوند و جامعه می تواند از توان تولیدی آنان بهتر بهره مند گردد (همان، ۹۱).

هرگونه توسعه و رشد اقتصادی، به افراد آموزش دیده، متبحر، متخصص، کارآمد و توانا نیازمند است و این منابع کارآمد، محصول سطح بالای آموزش و پرورش است. از این لحاظ آموزش و پرورش جنبه ی زیربنای برای اقتصاد دارد. چه از نظر تأمین نیروی انسانی ماهر و کارآمد و چه از جهت مرزهای دانش فن آوری و پیش بردن تکنولوژی. (فیوضات، ۱۳۸۲: ۳۴).

در جوامع امروزی، پیشرفت های اقتصادی آنان چنان دگرگون و متحول شده است که نیازمند نیروی با مهارت و تخصص بالاست، تأمین و آموزش این نیروهای

متخصص و ماهر وظیفه اصلی آموزش و پرورش است (گلشن، ۱۳۷۸: ۶۷).

۲،۲،۷. ارائه روش‌های نو و طرح‌های جدید اقتصادی

۲،۲،۸. ابداع و اختراع ابزار و دستگاه‌های مدرن و پیشرفته

طرح‌های بزرگ و کلان اقتصادی که اجرای آن دربردارنده هزینه‌های هنگفت و صرف زمان زیاد است می‌تواند با ارائه طرح‌های جدید و یا اختراع ابزار و دستگاه‌های پیشرفته در بخش اقتصادی و زمان صرفه‌جویی کند؛ و این امر تحقق پیدا نخواهد کرد جز از طریق آموزش و پرورش که افراد متخصص، دانشمند را آموزش بدهد و تربیت کند. تا آنان با ارائه طرح‌ها و روش‌های جدید و یا با به‌کارگیری تکنولوژی و فن‌آوری جدید ضمن کاهش در هزینه‌ها و تسریع در اجرا به اقتصاد کشور کمک کند.

۲،۲،۹. تقلیل جمعیت

آموزش و پرورش یک ابزار مؤثر است که قادر است در عمل از رشد تولیدمثل بکاهد و رشد جمعیت را محدود سازد. افزایش جمعیت موجب هزینه‌های زیاد بر دولت و خانواده‌ها می‌گردد. تقلیل جمعیت باعث صرفه‌جویی‌هایی زیادی در زمینه‌های مختلف برای خانواده و دولت خواهد شد و این بر رشد اقتصادی آنان کمک خواهد کرد و آن را بهبود می‌بخشد (دهقانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۵).

ب) تأثیر اقتصاد بر آموزش و پرورش

اقتصاد یکی از ارکان اساسی و بسیار مهمی هر جامعه است. جامعه‌ای که از توان بالای اقتصادی برخوردار باشد، در بسیاری از زمینه‌ها و از جمله در آموزش و پرورش موفق خواهد بود، زیرا یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه هر جامعه، توسعه اقتصادی آن است. توسعه در تمام مؤلفه‌های آن مخصوص در

آموزش و پرورش متکی بر توسعه اقتصادی است، با تکیه بر همین اصل، امروزه حتی در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به نکات اقتصادی توجه می‌شود. در سال‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته برنامه ریزان آموزشی و پرورشی به کسی اطلاق می‌شود که اساساً یک اقتصاددان و یک کارشناس اقتصادی باشد.

دلیل مهم بر نفوذ موضوعات اقتصادی در آموزش و پرورش این است که با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی می‌شود بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی آموزش و پرورش را مورد تحلیل قرارداد؛ زیرا اغلب نشانه‌های بحران موجود در آموزش و پرورش از ماهیت اقتصادی یا مالی برخوردار است (عماد زاده، همان، ۱۵۰). اقتصاد هم بر آموزش خانواده‌ها تأثیرگذار است و هم بر آموزش اجتماعی و دولتی. خانواده‌های که از اقتصاد ضعیف و پایین برخوردارند، فرزندانشان با مشکل آموزشی مواجه‌اند؛ زیرا آنان فرزندانشان یا از آموزش محروم می‌مانند، موفق به تحصیل و ادامه آموزش نمی‌شوند و اگر هم موفق شوند، جذب مراکز آموزشی می‌شوند که از کیفیت چندان برخوردار نیست. برخلاف خانواده‌های که از وضعیت اقتصادی خوب برخوردارند آنان فرزندانشان را در بهترین مراکز آموزشی می‌فرستند و بهترین معلمان و اساتید را استخدام می‌کنند و از امکانات و فن‌آوری‌های آموزشی روز برای بهبود تحصیل فرزندانشان استفاده می‌کنند. طبیعی است که چنین فرزندان قطعاً نسبت به آنان که از جهت امکانات برخوردار نیستند آینده بهتر، روشن‌تر، سواد و تخصصی بالاتری خواهند داشت؛ و در بخش عمومی و دولتی نیز چنین است، کشور و جامعه‌ی که از ضعف اقتصادی رنج می‌برد آموزش و پرورش آن نیز ضعیف خواهد بود، امکانات آموزشی کمتر و سطح آموزش و بهره‌وری پایین‌تر خواهد داشت.

به طور کلی اقتصاد می تواند در بخش های ذیل بر آموزش و پرورش تأثیر بگذارد:

۱. بهبود آموزش

۱.۱. ارتقاء کیفیت تدریس (آموزش)

آموزش و پرورش در صورت موفق به تربیت افراد متخصص، کارآمد و دانشمند است که از استادان و معلمان باتجربه و متخصص در رشته های مورد نیاز جامعه استفاده کند؛ و این امر در صورت امکان پذیر است که حقوق، مزایا و دستمزد گروه آموزش، افزایش یابد تا آنان با خاطر آسوده به تدریس و تحقیق بپردازند.

آدام اسمیت معتقد است که معلمان آموزش و پرورش نباید از دستمزد ثابت و یکسان برخوردار باشند؛ و این در ایجاد انگیزه برای کار بیشتر و تدریس بهتر نقش مؤثر خواهد داشت و در شرایطی که حقوق و دستمزد معلمان ثابت باشد نمی توان انتظار داشت که آن ها بتوانند در جوانان و نوجوانان تحول و ابتکار و خلاقیت به وجود آورند. ولی در صورتی که حقوق معلمان افزایش یابد و از مزایایی بیشتری برخوردار گردند، آنان انگیزه بیشتری برای تدریس و آموزش پیدا خواهند کرد و این موجب ارتقاء سطح آموزش و پرورش جامعه خواهد شد (همان، ص ۲۰) و این امر جز با بهبود وضعیت اقتصادی کشور امکان نخواهد داشت.

۱.۲. ارتقاء متون درسی

کتاب درسی و آموزشی نقش بسیار مؤثر بر یادگیری دانش آموزان دارد. فارغ التحصیلان آموزش و پرورش در صورت از بنیۀ علمی قوی و محکم برخوردار

می‌شوند که محتوای کتب درسی، علمی و از کیفیت بالا و مطلوب برخوردار باشد و این امر در صورت ممکن است که آموزش و پرورش از وضعیت اقتصادی خوب برخوردار باشد که بتواند با استخدام افراد متخصص، باتجربه و صاحب‌نظر در تدوین کتب آموزشی کیفیت متون آموزشی را بالا ببرد.

۱.۳. وسایل کمک آموزشی

امروزه نظام‌های پیشرفته آموزشی دنیا، برای ارتقاء سطح دانش و تسریع در امر یادگیری از تکنولوژی‌های جدید و پیشرفته آموزشی از قبیل رسانه‌های صوتی و تصویری، امکانات پیشرفته کارگاهی و آزمایشگاهی و اردوهای تخصصی و علمی و ... استفاده می‌کنند که نیازمند صرف هزینه‌های کلان در بخش آموزش و پرورش می‌شود.

۱.۴. کیفیت تجهیزات زیر بنایی مراکز آموزشی

امکانات و تجهیزات مدارس به صورت غیرمستقیم کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ساختمان مدرسه، وضعیت کلاس، میزان نور و روشنایی، سطح دمای کلاس، کیفیت میز و صندلی، وسایل بازی و تفریحی، فضای سبز و محیط شاداب و ... در آموزش تأثیر به سزایی دارند (همان، ۲۴۶).

اگر اقتصاد آموزش و پرورش خوب باشد و بتواند از این امکانات و فن‌آوری‌ها خوب و به نحو مطلوب استفاده کند، در رشد و توسعه امر آموزش تأثیرگذار است.

۲. سرمایه‌گذاری در تحقیقات

یکی از اساسی‌ترین وظایف آموزش و پرورش که مبانی و زیربنای پیشرفت علمی به حساب می‌آید، بخش تحقیقات و پژوهش است که دانشمندان و محققان به

تحقیق می‌پردازند، امروزه اکثر دستاوردهای عملی و فن‌آوری، حاصل کار و زحمات محققان و پژوهش‌گران است. این تحقیقات و پژوهش‌ها نیازمند سرمایه و بودجه است و هزینه‌های پژوهش و تحقیقات در آموزش و پرورش به عهده بخش اقتصاد کشور است که باید تأمین گردد؛ زیرا بدون بودجه و اعتبارات لازم و کافی، تحقیق و پژوهش امکان‌پذیر نیست.

۳. تطبیق نیروی کار

در جوامع در حال توسعه، آموزش و پرورش قابلیت و توانایی نیروی کار را برای تطبیق با تغییرات و فرصت‌های شغلی افزایش می‌دهد، هنگامی که تکنولوژی تولید، تغییر می‌کند بسیاری از ماشین‌آلات تعویض می‌شوند. لیکن نیروی کار با آموزش بیشتر، خود را با تکنولوژی جدید تطبیق می‌دهد و با آن کار می‌کند و این نوع آموزش‌ها نیاز به هزینه دارد که باید در بخش آموزش و پرورش فراهم شود.

۴. سرمایه‌گذاری بر روی افراد نخبه

افراد جوان و نوجوان دارای استعدادهای بسیار زیاد و نهفته هستند، دسترسی به این استعدادها و به فعلیت رساندن آنها جز از طریق آموزش ممکن نخواهد بود. آموزش و پرورش باید با تشکیل دوره‌های ویژه، استعداد افراد را شکوفا سازد و استعدادهای نهفته را کشف کرده و به سرمایه‌گذاری روی آنان پردازد؛ زیرا رشد و توسعه اقتصادی ایجاب می‌کند که نظام آموزشی، افراد متخصص را برای نیازهای کشور تربیت کند و بدون شک تربیت نیروهای متخصص و افراد نخبه نیازمند هزینه‌های زیادی است (همان، ص ۸۷).

نتیجه‌گیری

از آنچه تاکنون بیان شد به وضوح روشن می‌شود که توسعه در آموزش و پرورش و اقتصاد لازم و ملزوم یکدیگرند و تأثیر و تأثر متقابل برهم می‌گذارند. به طوری که رشد و توسعه آموزش و پرورش در گرو رشد و توسعه اقتصاد است. همچنین رشد و توسعه اقتصادی در گرو توسعه بخش آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش در صورت موفق به اختراع، ابتکار و تربیت نیروهای کارآمد و متخصص می‌شود و به سراغ فن‌آوری‌های جدید می‌رود که مشکل اقتصادی نداشته باشد و بتواند هزینه‌های سنگین بخش تحقیقات را تأمین کند و از طرف دیگر، بخش اقتصادی کشور زمانی رشد و توسعه پیدا می‌کند که اقتصاددانان متخصص تربیت شود و برای اداره آن از متخصصان باتجربه بهره گرفته شود.

منابع

۱. دهقانی، علی و همکاران (۱۳۸۵)، تهران، آبیژ، چ اول.
۲. عماد زاده، مصطفی (۱۳۸۵)، اقتصاد آموزش و پرورش، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
۳. فیوضات، یحیی (۱۳۸۲)، نقش دانشگاه در توسعه ملی، تهران، نشر ارسباران.
۴. کلشن فومنی، محمد رسول (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران نشر شیفته، چ دوم.
۵. نفیس، عبدالحسین (۱۳۸۰)، دانش نامه اقتصاد آموزش و پرورش، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۶. وزیری، جان (۱۳۵۱)، اقتصاد آموزش و پرورش، ترجمه محمد برهان منش، تهران انتشارات دانشگاه تهران.